

روسیه و انگلیس و مسئله جانشینی شاه در ایران صدر قاجار*

عباس قدیمی قیداری**

چکیده

یکی از دشواری‌ها و مشکلات ساختاری دولت قاجار، مسئله ولیعهدی و جانشینی شاه قاجار بود. با وجود سیاست‌هایی که طراحی شده بود، این مسئله در چند برهه در فاصله انتصاب عباس میرزا به ولیعهدی تا سلطنت محمدشاه قاجار، ایران را به بحران و جنگ داخلی کشانید. ناتوانی دولت قاجار و اختلافات شاهزادگان و سیاست‌های ناموفق داخلی سبب گردید تا دولت‌های روس و انگلیس در یک امر داخلی مداخلات موثر داشته باشند. روس‌ها در پی عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای حق نظارت و قیمومیت برای خود به دست آوردند و انگلیسی‌ها نیز با نوسان در سیاست خارجی خود، از ترس خطر توسعه روزافزون نفوذ روس‌ها در منطقه از «سیاست بی‌اعتنایی» به «سیاست ایفای نقش فعال» گرایش پیدا کردند و بر سر آن با روس‌ها توافق نمودند. توافق و دخالت این دو دولت در مسئله جانشینی با اینکه خطر بحران شدید و جنگ داخلی را برطرف نمود، اما پیامدهای آن دولت قاجار را در سیاست خارجی و داخلی با مشکلات اساسی مواجه کرد.

واژگان کلیدی: روسیه، انگلیس، دولت قاجار، بحران جانشینی.

* تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۹/۲۳.

E-mail: ghadimi@tabrizu.ac.ir

** تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۶/۱۸.

** استادیار گروه تاریخ - دانشگاه تبریز

مقدمه

مقارن با به قدرت رسیدن قاجارها در ایران، اروپا تحولات و دگرگونی‌های بزرگ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را از سر می‌گذراند. این تحولات و دگرگونی‌ها با رقابت‌های سیاسی بین دولت‌های اروپائی همراه شد و از اواخر قرن ۱۸م. به تدریج پای آنها را به کشورهای ضعیف، اما دارای اهمیت سیاسی و اقتصادی باز نمود. در سال‌های نخست قرن ۱۹م. ایران، گرفتار جنگ با روس‌ها گردید و طی جنگ‌های طولانی، ضمن شکست در کانون سیاست و رقابت‌های بین‌المللی قرار گرفت. ناتوانی سیاسی و اقتصادی دولت قاجار و نیز بحران‌ها و مشکلات ساختاری در داخل، زمینه نفوذ و دخالت دولت‌های خارجی را - که هر یک اهداف خاص سیاسی و اقتصادی خود را دنبال می‌کردند - تسهیل نمود. یکی از مسائل داخلی کنه به ساختار سیاسی دولت قاجار مربوط می‌شد؛ مسئله ولیعهدی و جانشینی فتحعلی شاه قاجار بود. موضوعی که گاه منجر به اختلافات شدید داخلی و بحران نیز می‌شد و زمینه‌های دخالت خارجی را فراهم می‌آورد. دخالت روس و انگلیس در رقابت با یکدیگر الگوی مداخله در یک امر داخلی را پی افکند و استقلال سیاسی دولت ایران را خدشه‌دار ساخت. این مقاله پژوهشی درباره علل و زمینه‌های داخلی و خارجی مداخلات روس و انگلیس و تحلیل سیاست‌های متغیر آنها در جانشینی فتحعلی شاه قاجار است که در سه برهه بررسی می‌شود: «دوران ولیعهدی عباس میرزا»، «مرگ عباس میرزا و ولیعهدی محمد میرزا» و «مرگ فتحعلی شاه و سلطنت محمدشاه». در هر یک از این برهه‌ها، مداخلات روس و انگلیس با اتکاء به برخی منابع، اسناد، نامه‌ها و گزارش‌های سیاسی همراه با نقد و مقایسه پاره‌ای دیدگاه‌ها و ادعاها مورد بررسی قرار گرفته است.

مسئله ولیعهدی و جانشینی شاه در ساختار دولت قاجار

یکی از نخستین مشکلات و دشواری‌های دولت قاجار که به ساختار سیاسی این دولت ارتباط داشت، مسئله ولیعهدی و جانشینی شاه قاجار بود. آقا محمدخان که به خوبی از مشکلات و کشمکش‌های سابق درونی ایل قاجار آگاه بود، سیاستی را پی افکند که هم اختلافات را کاهش دهد و هم سلطنت را به سود طایفه قوآنلو رقم زند. این سیاست مبتنی بر ازدواج‌های از پیش تعیین شده و حسابگرانه بود که سلطنت را در طایفه قوآنلو تثبیت می‌کرد. (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲۹۳-۲۹۴ / نادر میرزا، ۱۳۷۲: ۲۴۱ / سپهر، ۱۳۷۷: ۳۱۲ / عضالدوله، ۱۳۷۶: ۱۱۱) این سیاست و آینده‌نگری آقا محمدخان و طراحی آینده پادشاهی ایران، دولوها را به عنوان طایفه رقیب در قدرت سیاسی سهم ساخت و مانع از ستیزه‌ها و منازعات دو طایفه قوآنلو و دولو گردید و مهم‌تر از همه، سلطنت را در طایفه قوآنلو تثبیت کرد که قصد نهایی و اصلی آقا محمدخان بود. (قدیمی، ۱۳۸۹: ۸۹-۹۱)

سیاست آقا محمدخان، با وجود آنکه اختلاف بین دولو و قوآنلو را کاهش داد و تا حدودی نیز از بین برد، اما اختلافات و رقابت‌ها را به درون طایفه قوآنلو کشانید، جایی که برخی شاهزادگان قاجاری که پسران فتحعلی شاه بودند در سر سودای ولیعهدی و سلطنت می‌پروراندند. از سال ۱۲۱۴ ق. که فتحعلی شاه چهارمین فرزند خود عباس میرزا را رسماً به ولیعهدی تعیین کرد. (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۰۵ / خورموجی، ۱۳۶۳: ۱۱) به تدریج اعتراض به انتخاب و انتصاب وی به ولیعهدی شکلی آشکار گرفت و تعارض درونی و اختلاف میان شاهزادگان متعدد را نمایان ساخت. مهم‌ترین مخالفان ولیعهدی عباس میرزا عبارت بودند از: محمدعلی میرزا دولت‌شاه، محمدقلی میرزا ملک‌آرا، حسینعلی میرزا فرمانفرما و حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه. (قدیمی، همان، ص ۱۰۰-۹۰) محمدعلی میرزا که بزرگ‌ترین فرزند فتحعلی شاه بود به دلیل آنکه مادرش کنیزی گرجی بود، شرایط

سلطنت را با آن قاعده‌ای که آقا محمدخان طراحی کرده بود و قاجارها خود را ملزم به رعایت آن می‌دیدند، نداشت. وی به شدت مخالف ولیعهدی عباس میرزا بود و حتی تا مرز دشمنی با او نیز پیش رفت. (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۱۱۲، ۱۱۹ / زوبر، ۱۳۴۷: ۱۶۷-۱۶۴ / مالکوم، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۸ / جونز، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۵۹) هیچ یک از مخالفان عباس میرزا شرایط ولیعهدی را براساس وصیت و طرح آقا محمدخان نداشتند، با وجود این به شدت بر ضد عباس میرزا فعالیت می‌کردند.

در حالی که فتحعلی شاه قاجار از عباس میرزا و ولیعهدی او و تداوم سلطنت در خاندان وی حمایت می‌کرد و سیاست دربار و دولت قاجار نیز همین گونه بود، اما عواملی چون: فقدان قانون، بی‌ثباتی و تزلزل در تصمیمات سیاسی، فعالیت شدید مخالفان و ارتباط آنها با دربار و به ویژه شکست‌های عباس میرزا در جنگ‌های ایران و روس که تا حدودی وجه و اعتبار او را در دربار و نزد شاه و شاهزادگان خدشه‌دار ساخت، زمینه را برای دخالت خارجی فراهم آورد.

روسیه و مسئله جانشینی شاه قاجار

خصومت بین شاهزادگان قاجاری، فقدان قانون مشخص و ثابتی که بتواند ولیعهدی را در خانواده عباس میرزا تحکیم و تثبیت نماید و نیز بی‌اعتمادی عباس میرزا به تداوم تدابیری که برای ولیعهدی و سلطنت در خاندان او اتخاذ شده بود، شرایط را به گونه‌ای فراهم آورد که عباس میرزا ناچار گردید از نخستین سال‌های بروز خصومت و دشمنی شاهزادگان در پی اقداماتی برای تحکیم موقعیت خود برآید. با وجود حمایت‌های شاه از او، عباس میرزا از نفوذ برادران خود در دربار تهران و خصومت آنها بیمناک بود. به همین دلیل از شاه فرمان حکومت تهران را برای ظل‌السلطان برادر اعیانی خود گرفت و

تا حدودی خیالش از توطئه‌ها آسوده شد. اما او به این اقدام اکتفا نکرد و باید یک حامی خارجی نیز پیدا می‌نمود. نخستین تلاش‌ها در عهدنامه گلستان چهره بست. وی در جریان گفتگوهای عهدنامه گلستان درصدد برآمد از روس‌ها درخواست کند که استمرار ولیعهدی‌اش را با گنجاندن بندی در عهدنامه به رسمیت شناخته و از او حمایت کنند. ظاهراً فتحعلی شاه قاجار به جهت آنکه نمی‌خواست اعتراض و خصومت شاهزادگان بیشتر گردد؛ از این اقدام ممانعت به عمل آورد. (اتکین، ۱۳۸۲: ۱۸۰) اما پافشاری عباس میرزا به این شکل خود را در عهدنامه گلستان نشان داد که در ماده چهارم، روس‌ها تعهد کردند از جانشین برگزیده شاه حمایت کنند و در امور داخلی ایران و نزاع بین شاهزادگان دخالتی نمایند، مگر اینکه پادشاه ایران از روس‌ها چنین درخواستی داشته باشد. (خاوری، ۱۳۸۰: ۳۰۳ / سپهر، ۱۳۷۷: ۲۴۲ / نفیسی، ۱۳۷۶: ۳۱۰ / اتکین، ۱۳۸۲: ۱۸۰) این ماده هر چند دخالت عملی روسیه در یک امر داخلی را نمی‌رساند، اما یک نوع حق نظارت در سیاست داخلی ایران برای روس‌ها را موجب می‌شد. با وجود این، عباس میرزا نگران از توطئه‌ها و خصومت شاهزادگان برادر چند سال پس از عهدنامه گلستان، مجدداً درصدد جلب حمایت روس‌ها برآمد. گویا آگاهی پیدا کرده بود که محمدعلی میرزا دولت‌شاه برادر بزرگش با یرمولوف فرمانده قوای روس در قفقاز ارتباط دارد. به همین منظور در سال ۱۲۳۴ق. محمد حسن خان نامی را با هدایایی نزد تزار الکساندر اول فرستاد و از امپراتور درخواست کرد که او را به عنوان ولیعهد ایران به رسمیت بشناسد. یرمولوف به شدت با درخواست عباس میرزا مخالفت نمود، هرچند تزار روس به مخالفت او توجهی نکرد. (کاظم‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۲۰). یرمولوف روابط ویژه و دوستانه‌ای با محمدعلی میرزا دولت‌شاه داشت و به او وعده داده بود که پس از مرگ شاه برای سلطنت وی مساعدت نماید. وزارت امور خارجه روسیه به یرمولوف هشدار داد که مخالفت با عباس میرزا خلاف میل

امپراتور تزار است. (حسام معزی، ۱۳۶۶: ۴۲۲) این جریان نشان می‌دهد که در دستگاه دیپلماسی خارجی روسیه نسبت به موضوع جانشینی شاه ایران سیاست واحدی وجود نداشت و برخی شاهزادگان نیز در صدد بودند رضایت روسیه را به نفع خود جلب نمایند. جنگ‌های دوم ایران و روس و سرنوشت آن، زمینه رسمی و جدی برای دخالت روس‌ها در سیاست داخلی ایران را فراهم آورد. در اواخر جنگ‌های دوم ایران و روسیه که سپاه عباس میرزا از قوای ژنرال باسکوویچ شکست خورد و روس‌ها تبریز را فتح کردند، شاهزادگان مخالف در تهران اجتماع کردند و شایعه‌ای ترتیب دادند که شاه به دلیل شکست عباس میرزا در جنگ، حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه را به ولیعهدی و نیابت سلطنت انتخاب کرده است. (سپهر، ۱۳۷۷: ۳۹۱ / جهانگیر میرزا، ۱۳۲۱: ۱۰۲) این شایعات در حین گفتگوهای صلح ترکمانچای به عباس میرزا رسید و او احساس کرد که منصب ولیعهدی‌اش در خطر است و به دنبال آن خطرات دیگری نیز ممکن است وی را تهدید کند. بنابراین، ماده ۷ را در صورت عهدنامه گنجانده و روس‌ها را متعهد کرد که از او به عنوان جانشین فتحعلی شاه حمایت نمایند. ماده ۷ عهدنامه ترکمانچای به طور صریح بر قانونی بودن ولیعهدی عباس میرزا و حمایت روسیه از او به عنوان وارث تاج و تخت ایران تاکید دارد. (حسام معزی، ۱۳۶۶: ۳۸ / نفیسی، ۱۳۷۶: ۲۶۰)

ترس از اجتماع شاهزادگان در تهران و عدم اعتماد کافی به دربار و شخص شاه و نیز توطئه‌های روزافزون شاهزادگان مدعی سلطنت و در نهایت فقدان قانون ثابت و روشن در امر جانشینی و بی اعتباری برخی توافقات و تصمیمات سیاسی درون حکومتی، عباس میرزا را وادار ساخت تا خود را تحت‌الحمایه روس‌ها قرار دهد. به گفته ترنزیو عهدنامه ترکمانچای اعتبار و شخصیت سیاسی ایران را متزلزل نمود. (ترنزیو، ۱۳۶۳: ۴۵) ایران تا پیش

از عهدنامه ترکمانچای دولت مستقلی بود، اما با عهدنامه ترکمانچای به صورت دولت نیمه مستقل درآمد و به دخالت دولت‌های اروپایی در امور داخلی خود تن داد.

رویکرد انگلیس به مسئله جانشینی شاه قاجار

سابقه چشم‌داشت انگلیسی‌ها به دخالت در ساختار سیاسی دولت قاجار به عهدنامه سال ۱۲۲۷ ق. ایران و انگلیس بازمی‌گردد. در فصل یازدهم این عهدنامه انگلیسی‌ها، ولیعهدی عباس میرزا را بدون ذکر نامی از او به رسمیت شناختند و تعهد کردند که هرگاه نیاز باشد از مساعدت به ولیعهد کوتاهی نکنند و در فصل دوازدهم نیز تعهد کردند در مناقشه بین شاهزادگان دخالتی ننمایند، مادامی‌که شاه قاجار از آنها درخواست مساعدت نماید. (نثیسی، ۱۳۷۶: ۲۷ / محمود، ۱۳۴۴: ۱۴۰-۱۳۵) این عهدنامه را عباس میرزا با ذکر عنوان: «نیابت سلطنت» ضمانت نمود. گنجانیدن این دو ماده بر تلاش‌های عباس میرزا به منظور همراه ساختن انگلستان با ولیعهدی خود و نیز بیم از موقعیت ولیعهدی دلالت دارد. سرگور اوزلی^۱ درباره فصل یازدهم بعدها گفت: منظورش اطمینان از تحصیل تاج و تخت سلطنت ایران برای عباس میرزا و تأمین نفوذ برتر انگلیس در ایران بوده است. (کمیل، ۱۳۸۴: ۳۵۴) نکته مهم اما، چرخش سیاست انگلستان در ارتباط با مسئله ولیعهدی عباس میرزا است. در سال ۱۲۲۹ ق. / ۱۸۱۴ م. هنری الیس^۲ برای تغییر دو فصل عهدنامه ۱۲۲۷ ق. به ایران آمد که یکی از آنها، همان فصل یازدهم بود. (سپهر، ۱۳۷۷: ۲۵۹ - ۲۵۸) علت چرخش سیاست انگلستان در حمایت از ولیعهدی عباس میرزا ظاهراً این بود که روس‌ها در ماده چهارم عهدنامه گلستان متعهد به پشتیبانی از عباس میرزا شده بودند که در این زمان، خوشایند انگلیسی‌ها نبود. زیرا در فصل یازدهم

^۱ sir Gore Ouseley

^۲ Henry Ellis

عهدنامه ۱۲۲۷ق. ایران و انگلیس متعهد شده بودند که ولیعهد دولت با دولت دیگری دوستی نداشته باشد. به همین دلیل انگلیسی‌ها در عهدنامه جدید، فصل یازدهم را حذف کردند و فقط در فصل دوم تعهد کردند که در اختلاف بین شاهزادگان قاجار دخالتی نکنند مگر آنکه پادشاه ایران از آنها چنین درخواستی داشته باشد. (سپهر، ۱۳۷۷:

۲۶۱/اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۵۲۰/محمود، ۱۳۴۴: ۲۰۰)

از سال ۱۲۳۰ق/۱۸۱۵م. در سیاست انگلیس نسبت به ایران چرخشی صورت گرفت. در سیاست جدید که تحت تاثیر اتفاقات و شرایط نوین سیاسی اروپا ایجاد گردید، ایران تا حدودی اهمیت خود را برای انگلیس از دست داد. پیامد سریع این سیاست، کاهش و تنزل سطح روابط با ایران بود که از آن به عنوان: «سیاست بی‌اعتنایی» تعبیر کرده‌اند. سوای از تاثیر مناسبات سیاسی حاکم بر جهان، گزارش‌های کارگزاران انگلیس در اتخاذ این سیاست از ناحیه دولت انگلیس سخت موثر افتاد. اوزلی پس از مراجعت از ایران در گزارشی به دولت انگلیس چنین گفت: «حال که خطر ناپلئون برطرف شد و سرحدات هندوستان از تجاوز مصون ماند در این صورت باید ملت ایران را گذاشت در همین حال توحش و بربریت باقی بمانند.» (محمود، همان: ۲۵۲)

سیاست انگلیس در این دوره با سیاست‌های بین‌المللی پیوند داشت. خطر ناپلئون از بین رفته بود و در کنگره وین نیز شرایط مساعدی برای منافع انگلستان پدید آمده بود. انگلیسی‌ها به طور مستقیم در افغانستان نفوذ پیدا کرده بودند و دیگر برای حفظ هندوستان به ایران نیازی نداشتند. هنری ویلوک^۱ که مجری سیاست‌های جدید از ۱۸۱۵ تا ۱۸۲۵م. در ایران بود، بدرفتاری و تحقیر ایرانی‌ها را آغاز کرد و در نخستین گام دستور خروج افسران انگلیسی از ارتش ایران را صادر نمود. در واقع انگلیسی‌ها ایران

^۱ Henry Willoch

را با تمام گرفتاری‌ها که خود نیز در پدید آمدن آن نقش داشتند، رها کردند. دنیس رایت می‌نویسد: «در این زمان موقعیت سیاسی جهان به نحو چشمگیری دگرگون شده بود. روسیه و بریتانیا پیمان اتحاد بسته بودند، ناپلئون در واترلو شکست خورده بود و تهدید فرانسویان به هند از میان رفته بود و دوستی با ایران برای لندن اهمیتی نداشت».

(رایت، ۱۳۶۴: ۱۲۸)

سیاست بی‌اعتنایی و رها کردن ایران، قدری کمتر از دو دهه در دستگاه دیپلماسی انگلیسی‌ها سیاست غالب بود. در این دوران، ایران از روس‌ها در جنگ‌های دوم شکست خورد و راه برای توسعه نفوذ بیش از پیش روس‌ها هموار گردید. اما به نظر می‌رسد از سال‌های نخست دهه ۱۲۴۰ ق. سیاست «بی‌اعتنایی» مورد نقد برخی نمایندگان و کارگزاران سیاست خارجی دولت انگلستان واقع گردید. ویلوک که رویدادهای ایران را به دقت زیر نظر داشت و اطلاعات فراوانی از اوضاع داخلی ایران و مناسبات پنهان میان شاهزادگان ایرانی گرد آورده بود، طی دو گزارش جداگانه آگاهی‌هایی به وزیر امور خارجه انگلیس داد. ویلوک در گزارش اول ضمن اشاره به کاهش نفوذ انگلیس در ایران و توسعه روزافزون نفوذ روسیه در دربار ولیعهد، تاکید می‌کند که عباس میرزا به خاطر شرایط ویژه احتمال دارد برای اطمینان از تأمین جانشینی‌اش از روس‌ها کمک بخواهد و اضافه می‌کند که گرایش سیاسی عباس میرزا به روس‌ها از سر علاقه نیست، بلکه به واسطه اقتضاء و ضرورت است. اما برای انگلیسی‌ها احترام قائل است. از سوی دیگر، ویلوک ضمن تحلیل اهداف روس‌ها در ایران، می‌افزاید که روس‌ها با نزدیک شدن به عباس میرزا در اندیشه نفوذ وسیعی در ایران به هنگام جلوس وی بر اریکه سلطنت هستند. او با گوشزد کردن خطر روس‌ها برای منافع انگلیس، هشدار می‌دهد که انگلیسی‌ها ضمن حمایت از عباس میرزا باید او را متوجه خطر روسیه کنند و علاوه بر آن، اهمیت تأمین استقلال پادشاهی

ایران را نیز برای او تفهیم کنند. از دیدگاه ویلوک، تنها در این صورت است که می توان مانع افتادن عباس میرزا به آغوش روس‌ها شد و افزون بر آن، انگلیسی‌ها باید او را در موقعیتی قرار دهند که خود بتواند تاج و تخت سلطنت را بدون کمک روس‌ها به دست آورد. (کمیل، همان: ۲۵۹-۲۵۲)

هنری ویلوک در گزارش دوم خود ۱۲۴۱ ق. / ۱۸۲۵ م. به وزارت امور خارجه انگلیس، اطلاعات مبسوطی درباره شاهزادگان قاجار و فرزندانش فتحعلی شاه و نیز اختلافات بین آنها به دست می‌دهد. (کمیل، همان: ۳۶۳ - ۳۸۵ / ویلوک، ۱۳۸۸: ۱۰۲-۹۴) او ضمن بر شمردن خصایص و ویژگی‌های هر یک از شاهزادگان مدعی جانشینی شاه، به ضرورت دخالت انگلستان در امر جانشینی تأکید دارد و تلویحاً وزارت امور خارجه دولت متبوع خود را از انفعال و عدم دخالت بر حذر می‌دارد. ویلوک معتقد بود که عدم دخالت انگلستان، راه را برای توسعه نفوذ روسیه در ساختار سیاسی ایران و دستگاه دولت باز می‌کند و در برابر دخالت‌ها و اهداف روسیه که نافی منافع انگلستان است، انگلیس باید اقدام دفاعی صورت دهد و آشکارا در امر جانشینی شاه دخالت نماید.

با وجود این گزارش‌ها و آگاهی‌های هشداردهنده، کارگزاران سیاست خارجی انگلیس، تغییری در سیاست خود نسبت به ایران ندادند، تنها پس از عهدنامه ترکمانچای و توسعه نفوذ روسیه در ایران و عثمانی به تدریج به این فکر افتادند که هم جلو توسعه روسیه را - که به نظر می‌رسید مجدداً منافع آنها را با خطر مواجه ساخته بود - بگیرند و علاوه بر آن در رقابت سیاسی برای نفوذ در آسیا از روس‌ها عقب نمانند. برای همین منظور، سیاست حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و ضرورت حفظ آرامش داخلی آن کشور را در پیش گرفتند. این سیاست انگلیسی‌ها پس از مرگ عباس میرزا و در مسئله جانشینی شاه قاجار چهره بست.

مرگ عباس میرزا و نکاپوهای روس و انگلیس

پس از مرگ نابهنگام عباس میرزا در سال ۱۲۴۹ق. چنانکه پیش‌بینی می‌شد، ادعاها بر سر ولیعهدی و جانشینی فتحعلی شاه دوباره سر برآورد و امید مدعیان سلطنت قاجار احیاء گردید و این بار به شکل گسترده‌تر دسته‌بندی‌های سیاسی در ساختار دولت قاجار شکل گرفت. طبق سیاست قاجارها و قاعده تریبی آنها، بایدمحمد میرزا پسر عباس میرزا به ولیعهدی انتخاب می‌شد و روس‌ها نیز در عهدنامه ترکمانچای ولیعهدی و سلطنت در خاندان او را تضمین کرده بودند، اما هیچ کدام از اینها برای متقاعد ساختن مدعیان ولیعهدی و سلطنت کفایت نمی‌کرد. مدعیان سلطنت و ولیعهدی با توسل به حربه‌های گوناگون، آشکارا با ولیعهدی محمد میرزا مخالفت کردند. (قدیمی، همان: ص ۹۶-۹۴)

یافشاری مدعیان و افزایش اختلافات، اوضاع را نگران‌کننده جلوه داد و روسیه و انگلیس را که مخالف بحران و جنگ داخلی بودند به دخالت عملی و مؤثر وادار کرد. مرگ عباس میرزا سبب تغییر سیاست بی‌اعتنایی انگلیس نسبت به اوضاع ایران گردید. محرک مؤثر نیز در تغییر سیاست انگلیس، گزارش‌های هشداردهنده کارگزاران سیاسی انگلیس از وضع داخلی ایران، مناسبات حاکم بر ساختار سیاسی ایران و خطر توسعه نفوذ روسیه در ایران و عثمانی بود. گزارش‌های بر جای مانده از کارگزاران انگلیسی در ایران میزان حساسیت آنها را نسبت به مسئله جانشینی و ولیعهدی شاه قاجار نشان می‌دهد. یادداشت‌ها و گزارش‌های سرجان کمبل^۱، نماینده سیاسی انگلیس در ایران و جان مک نیل^۲ دستیار او و نیز گزارش‌ها و نوشته‌های انگلیسی‌هایی مانند: جیمز فریزر^۳

^۱ Sir John Campbell

^۲ Dr. J.McNeill

^۳ J.B.Fraser

و راولینسون^۱ که در این زمان در ایران بودند، آگاهی‌های ارزنده و دست‌اولی از اوضاع ایران و سمت و سوی سیاست‌های انگلیس و روسیه به دست می‌دهند.

گزارش‌ها و یادداشت‌های روزانه کمبل در دو سال آخر سلطنت فتحعلی‌شاه، در این زمینه، بسیار ارزنده و آگاهی‌بخش است. کمبل که سخت هوادار عباس میرزا و پس از او حامی ولیعهدی محمد میرزا بود، ضمن گزارش تکاپوی شاهزادگان مدعی سلطنت، از تلاش‌های حسینعلی میرزا و ظل‌السلطان برای جلب انگلیسی‌ها از جانشینی آنها خبر می‌دهد. او مدعی است که حتی حسینعلی میرزا آمادگی هر نوع قرار و مدار با انگلیسی‌ها در جهت جلب حمایت آنها را داشت. (کمبل، ۱۳۸۴: ۳۳۱ و ۲۵۹-۲۵۶). کمبل در یادداشت دوم ژانویه ۱۸۳۴ می‌نویسد: اگر شاه اطمینان حاصل کند که دو دولت روس و انگلیس انتخاب محمد میرزا را به ولیعهدی به رسمیت خواهند شناخت، او را به جانشینی خود معرفی خواهد کرد. (کمبل، ۱۳۸۴: ۶۱۳) از سوی دیگر محمد میرزا نیز نامه‌هایی را به کمبل ارسال می‌کرد و امیدواری خود به پشتیبانی انگلیسی‌ها را اعلام می‌نمود. (همان: ۶۲۸) کمبل که خواستار دخالت صریح وزارت امور خارجه انگلیس بود، در گزارش شماره ۱۱۷ مورخ ۱۸ نوامبر ۱۸۳۳ به کمیته سری هند چنین نوشت: بعد از مرگ عباس میرزا که سال‌ها نگهبان و حافظ استقلال ایران بود، این کشور در معرض خطر طرح‌های روسیه قرار گرفته است. اگر انگلستان دست یاری برای پشتیبانی از او دراز نکند موجودیت ایران به عنوان یک کشور مستقل از بین خواهد رفت و تضمین حفظ آرامش و صلح در امپراتوری شرقی انگلیسی فرو خواهد ریخت. (همان: ۹۰۱) او در گزارش دیگری به کمیته سری هند ضمن انتقاد تلویحی به عدم دخالت صریح انگلستان، پیشنهاد کرد که دولت انگلیس عملاً با اعطای کمک مالی و اعزام افسران که

^۱ H.Rawlinson

بتوانند نیروی نظامی مؤثری برای محمد میرزا ترتیب دهند تا او بتواند مخالفین داخلی خود را سرکوب نماید و تاج و تخت را بدون دخالت روس‌ها به دست آورد، باید نفوذ خود را در ایران اعاده نماید. (همان: ۹۰۴) افزون بر گزارش‌های کمبل، مک نیل دستیار او و پزشک فتحعلی شاه نیز با ارسال گزارش‌هایی، دولت انگلیس را به دخالت در امر جانشینی فرا می‌خواند. وی ضمن گزارشی از مدعیان سلطنت قاجار و تعریف و تمجید از محمد میرزا او را مردی می‌داند که به واسطه موقعیت و شخصیتش می‌تواند استقلال ایران را حفظ نماید. (همان: ۹۲۲ - ۹۲۰).

روس‌ها نیز با مرگ عباس میرزا ضمن مداخله، فشار بر شاه قاجار را افزایش دادند. آنها نگران حق قیمومیت خود بودند که در عهدنامه ترکمانچای به دست آورده بودند که مبدا خدش‌های به آن وارد شود. ای. او. سیمونیچ^۱ وزیر مختار روس به فتحعلی شاه توصیه کرد که در انتخاب محمد میرزا به ولیعهدی تردید نکند. (سیمونیچ، ۱۳۸۳: ۴۴) اصرار روس‌ها به ولیعهدی محمد میرزا به حدی بود که از بدهی ایران به روس‌ها بابت غرامت عهدنامه ترکمانچای - در این فقره برای تحمیل اراده خود و اعمال فشار بر فتحعلی شاه - نهایت استفاده را کردند و گوشزد نمودند که در صورت ولیعهدی محمد میرزا نسبت به یک کرور باقی مانده غرامت ترکمانچای گذشت خواهند کرد. (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۸۷-۱۸۶) اتحادیه، ۲۵۲۵: ۲۶۵) حتی گفته شد که روس‌ها در صورت عدم انتخاب محمد میرزا به جانشینی و ناتوانی دولت ایران در پرداخت بدهی، طرح تصرف اراضی ایران در ازای طلب خود را در سر داشتند. علاوه بر آن، امپراتور روسیه نماینده‌ای همراه با مکتوب به دربار شاه قاجار فرستاد و ضمن تسلیم مرگ عباس میرزا خواستار توجه و تسریع در

^۱ I.O.Simonitch

ولیعهدی شاهزاده محمد میرزا گردید. (سپر، همان: ۵۱۱ / کمل، ۱۳۸۴: ۵۸). در شرایط آن روز ایران، این اقدام یک تهدید آشکار به شمار می‌رفت.

گزارش‌های کارگزاران سیاسی انگلیس برای مقامات انگلیس و هشدار آنها به بروز ناامنی احتمالی، شورش، جنگ داخلی و خطر افزایش دخالت‌های روسیه سبب گردید تا وزارت امور خارجه انگلیس و در رأس آن لرد پالمستون^۱ به سرعت در صدد تغییر سیاست خارجی خود نسبت به ایران برآیند. وزیر امور خارجه انگلیس شخصاً اقدامات مؤثری صورت داد. او در ۸ صفر ۱۶/۱۲۵۰ ژوئن ۱۸۳۴ پرنس لی ون^۲ سفیر روسیه در لندن را به وزارت امور خارجه احضار کرد و طی گفتگو با او بر حفظ آرامش داخلی ایران در جهت منافع و مصالح انگلیس و روس تأکید کرد، نسبت به بروز هرج و مرج در ایران هشدار داد و بر ضرورت اتخاذ یک رویه و سیاست مشترک بین دو دولت روسیه و انگلیس در امر جانشینی شاه قاجار تأکید نمود. سفیر روسیه در لندن نیز ضمن استقبال از نظرات پالمستون، قول داد که هر چه سریع‌تر این موارد را به پترزبورگ اطلاع دهد. از سوی دیگر پالمستون، بلای سفیر انگلیس در روسیه را مأمور مذاکره با کنت نسلرود وزیر امور خارجه روسیه نمود و سفیر انگلیس در گفتگو با وزیر خارجه روسیه نظرات رسمی انگلیس در باب جانشینی شاه قاجار و اوضاع ایران را به او ابلاغ نمود. پالمستون برای تحقق سیاست جدید دولت انگلیس در تأمین استقلال و تمامیت ارضی ایران فقط به این مورد اکتفا نکرد و در همین زمینه در تابستان ۱۲۴۹ ق. / ۱۸۳۴ م. قراردادی با لی ون سفیر روس در لندن مبنی بر تعهد دو کشور روس و انگلیس برای همکاری در رساندن محمد میرزا به ولیعهدی و سلطنت منعقد ساخت. (لمبتون، همان: ۱۹۵ / اتحادیه، همان: ۲۶۵) پالمستون در حمایت از ایران تا آنجا پیش رفت که در گفتگویی هشداردهنده با سفیر روس در لندن

^۱ Lord H.J.T. Palmerston

^۲ Prince Lieven

از فشار دولت روسیه برای وصول غرامت مندرج در عهدنامه ترکمانچای به ایران انتقاد کرد و آن را غیرمنصفانه دانست و پافشاری بر آن و مطرح ساختن طرح واگذاری بخشی از اراضی ایران در صورت عدم توانایی پرداخت غرامت را ناقض استقلال ایران دانست. (کمبل، ۱۳۸۴: ۹۴۱ - ۹۴۰)

سیمونیچ سفیر روس در ایران مذاکرات دولت‌های روس و انگلیس در این باره و دستورات مشابه و نیز تطبیق رفتارها و ضرورت پشتیبانی سفرای دو دولت در ایران از این تصمیم را تأیید می‌کند. (سیمونیچ، همان: ۵۱)

بدین ترتیب فتحعلی شاه با اطلاع از نظرات دو دولت خارجی، محمد میرزا را از خراسان فراخواند و او را به طور رسمی به عنوان ولیعهد و جانشین خود منصوب نمود. نقش و دخالت روس و انگلیس جایی برای تردید و دودلی احتمالی شاه قاجار باقی نگذاشت. پس از انتخاب رسمی محمد میرزا به ولیعهدی و نزدیک شدن روابط انگلیس و روس، پالمستون در اول سپتامبر ۱۸۳۴ در نامه‌ای به کمبل نماینده بریتانیا در ایران ضمن اشاره به مذاکرات دو طرف، اتحاد نظر انگلیس و روس در حمایت از ولیعهدی محمد میرزا را به اطلاع کمبل رساند و از او خواست در این باره وظایف خود را انجام دهد. (بینا، ۱۳۸۳: ۱۳) پالمستون در نامه مورخ اول جمادی الاول ۱۲۵۰ / ۵ سپتامبر ۱۸۳۴ به بلای سفیر انگلیس در روسیه تأکید کرد که رضایت انگلیس از ولیعهدی محمد میرزا را به مقامات روسیه ابلاغ کند و امیدواری دهد که با مرگ شاه در ایران جنگ داخلی رخ نخواهد داد. علاوه بر آن، بلای وظیفه داشت خرسندی دولت انگلیس از موافقت روس و انگلیس در حفظ آرامش داخلی و تضمین استقلال و تمامیت ارضی ایران را به مقامات روسیه اعلام دارد. (کمبل، همان: ۹۴۷ / محمود، همان: ۳۴۱-۳۴۲ / بینا، همان: ۱۴ / طاهری، [بی‌تا]: ۱۱۶-۱۱۵)

مرگ فتحعلی شاه و بحران جانشینی و دخالت روسیه و انگلیس

با انتخاب محمد میرزا به ولیعهدی شواهد نشان می‌داد که بحران بزرگی پس از مرگ شاه در راه خواهد بود. نافرمانی حسینعلی میرزا فرمانفرما به ویژه در ارسال مالیات سالانه، نمونه‌ای از نارضایتی‌ها را بیان می‌کرد. شرایط به گونه‌ای بود که همگان، احتمال می‌دادند که پس از مرگ شاه، سلطنت محمد میرزا با دشواری فراوان مواجه شود و ایران درگیر جنگ داخلی گردد. چنانکه جیمز فریزر که در این زمان در ایران به سر می‌برد هوشیارانه پیش‌بینی کرد که پس از مرگ شاه، ممکن است ایران دچار هرج و مرج، خونریزی و جنگ‌های داخلی شود و معتقد بود که محمد میرزا به دشواری می‌تواند بدون مداخله بیگانگان بر تخت سلطنت جلوس نماید. (فریزر، ۱۲۶۴: ۸۸-۸۷)

فتحعلی شاه پس از ۲۸ سال سلطنت در ۱۲۵۰ ق. درگذشت. هنوز جسد او دفن نشده بود که نزاع بر سر سلطنت - همانگونه که پیش‌بینی می‌شد - آغاز گردید. حسینعلی میرزا فرمانفرما با کمک برادرش حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه در شیراز بر تخت سلطنت تکیه کرد. ظل‌السلطان نیز در تهران با جلوس بر تخت فتحعلی شاه، سلطنت خود را اعلام نمود و در تبریز نیز محمد میرزا با نام محمد شاه خود را شاه قانونی ایران خواند. در این برهه است که دخالت روس و انگلیس جنبه عملی به خود گرفت و به اوج خود رسید و آنها سرنوشت سلطنت را با همراهی عوامل داخلی رقم زدند. پس از رسیدن خیر مرگ شاه به تبریز، میرزا ابوالقاسم قائم مقام که او نیز نقش اساسی در سلطنت‌یابی محمد میرزا ایفاء نمود، به ملاقات سفرای روس و انگلیس رفت. به گزارش سیمونیچ - که خود در تبریز حاضر بود - سفرای انگلیس و روس تمایل جدی خود را مبنی بر حرکت سریع محمد شاه به تهران اعلام کردند. دشواری اصلی قائم مقام، فقدان پول نقد برای عزیمت به تهران بود که این مشکل را کمیل نماینده انگلیس حل کرد. مبلغ پولی

روسیه و انگلیس و مسئله جانشینی شاه در ایران صدر قاجار ۱۴۱

که کمبل در اختیار قائم مقام برای تدارک سفر به تهران گذاشت، متفاوت گزارش شده است. (خاوری، ۱۳۸۰: ۹۳۳/ سپهر، همان: ۶۱۰/ اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۲۹/ رضاقلی میرزا، ۱۳۶۴: ۸/ سیمونیچ، همان: ۵۷) کمبل سفیر انگلیس فقط به کمک مالی اکتفاء نکرد، بلکه افسران انگلیسی که در تبریز بودند را همراه سپاه محمد شاه کرد و فرماندهی این سپاه را هنری لینزی (لیندزی) بیتن^۱ بر عهده گرفت. این افسران برای خدمت در ارتش عباس میرزا و در پی گزارش‌های کارگزاران انگلیس مبنی بر ضرورت ایفای نقشی فعال در سیاست جدید انگلیس به ایران وارد شده بودند. اما پیش از ورود آنها، عباس میرزا درگذشت و آنها به دستور شاه به خدمت محمد میرزا در تبریز در آمدند.

کمک مالی و نظامی کمبل سفیر انگلیس و فرماندهی افسر باکفایتی چون لینزی نقش موثری در سلطنت‌یابی محمد شاه و سرکوب مدعیان ایفاء کرد. سپاه محمدشاه توانست به فرماندهی لینزی سپاه اعزامی ظل‌السلطان در قزوین را شکست داده و پراکنده سازد. (هدایت، ۱۳۸۰: ۸۱۴۸/ سپهر، همان: ۶۲۱-۶۱۹) محمد شاه به همراه سفیر روس و انگلیس که دوش به دوش شاه حرکت می‌کردند وارد تهران شد. (سیمونیچ، همان: ۷۰). ظل‌السلطان دستگیر و زندانی شد و محمدشاه در تهران بر تخت سلطنت جلوس کرد. اما خطرناک‌ترین مدعی سلطنت کماکان باقی بود. سپاه محمد شاه مجدداً به فرماندهی لینزی و به همراه فیروز میرزا و منوچهرخان معتمدالدوله گرجی عازم اصفهان شد و در ایزد خواست توانست سپاه حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه را شکست دهد. پس از آن، سپاه عازم شیراز شد و فرمانفرما و حسنعلی میرزا را دستگیر و به تهران اعزام کرد. (سپهر، همان: ۶۳۹-۶۳۸ و ۶۳۲-۶۳۰/ خاوری، همان: ۹۳۸-۹۳۷/ جهانگیر میرزا، همان: ۲۳۶-۲۳۲/ رایت، ۱۳۶۴: ۱۷۲ -

^۱ Lindsay Bethune Henry

۱۷۲ / واتسون، ۱۳۵۴: ۲۳۶ - ۲۳۲) بدین ترتیب با مساعدت مالی و نظامی انگلیس و افسران

انگلیسی موانع موجود بر سر راه سلطنت محمد شاه از میان برداشته شد.

با وجود نقش موثر انگلیسی‌ها - که تقریباً همه منابع آن دوره تأیید می‌کنند - سیمونیچ سفیر روسیه در ایران در روزنامه خاطرات خود سعی دارد که نقش آنها را کم رنگ جلوه داده و بر نقش تعیین‌کننده روس‌ها تأکید کند. به نوشته سیمونیچ، انگلیسی‌ها پس از مرگ عباس میرزا سعی داشتند جانب تمام مدعیان ولیعهدی و سلطنت را نگه دارند و در آغاز، حمایت از محمد میرزا در برنامه‌های آنها نبود. (سیمونیچ، همان: ۴۴) علاوه بر آن، او بر این عقیده است که نزدیکی عباس میرزا به روس‌ها سبب شد تا انگلیسی‌ها حمایت از خاندان او را کاهش داده و سعی داشتند ایران را به تعداد مدعیان سلطنت به قطعات مستقل و مجزا تقسیم کنند و بی‌دریغ از ظل‌السلطان حمایت می‌کردند. (همان: ۴۵) به نظر می‌رسد ادعاهای سیمونیچ ناشی از رقابت‌های سیاسی دو دولت روس و انگلیس در ایران است. زیرا تمام منابع ایرانی و انگلیسی بر حمایت انگلیسی‌ها از عباس میرزا و محمد میرزا تأکید دارند. افزون بر آن، خود سیمونیچ نیز در روزنامه خاطرات خود دچار تناقض گردیده و ناچار می‌شود در صفحات بعدی بر نقش موثر انگلیسی‌ها و کمک مالی - که البته برخلاف منابع دیگر مبلغ آن کمتر و در حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان ذکر شده است - و کمک نظامی و حضور موثر سرهنگ لینزی در سرکوب مدعیان سلطنت اشاره کند. (همان: ۸۱ - ۸۰ - ۵۷) تردیدی نیست که انگلیسی‌ها در جهت سیاستی که به آن اشاره شد و اکثر منابع نیز آن را تأیید می‌کنند، در تخت‌یابی محمد شاه و پیش از آن، در استمرار ولیعهدی و سلطنت در خاندان عباس میرزا نقش موثری ایفاء کردند. در مقابل، برخی منابع انگلیسی درصدد هستند تا نقش روس‌ها را کم اثر جلوه داده و نقش انگلیسی‌ها را پررنگ‌تر نمایش

روسیه و انگلیس و مسئله جانشینی شاه در ایران صدر قاجار ۱۴۳

دهند. واتسون مورخ انگلیسی معتقد است که اقدامات کمبل در حمایت مالی و نظامی از محمدشاه، او را از روس‌ها بی‌نیاز ساخت. (واتسون، همان: ۲۶۳) پژوهش دیگری در دانشگاه کمبریج با ذکر پشتیبانی دیپلماتیک کمبل از محمد شاه و کمک نظامی او، عقیده دارد که شاه جدید مرهون حمایت بریتانیا گردید. (گریوز، ۱۳۸۷: ۳۸۷)

واقعیت این است که روسیه و انگلیس هر یک در قدرت‌یابی محمد شاه و البته پیش از آن در استمرار ولیعهدی و سلطنت در خاندان عباس میرزا نقش موثری ایفاء کردند. روس‌ها به استناد عهدنامه گلستان و ترکمانچای برای خود حق قیمومیت در تعیین حکومت ایران قائل بودند. چنانکه پاسکوویچ فرمانده قوای روس در قفقاز در جریان جنگ‌های دوم ایران و روس به عباس میرزا هشدار داده بود که روس‌ها هرگاه بخواهند، می‌توانند قاجارها را از صحنه سیاست ایران کنار بزنند و استقلال و اقتدار ایران دست دولت روسیه است و تنها روسیه است که می‌تواند از سلطنت قاجارها محافظت نماید. (حسام معزی، همان: ۴۲۷-۴۲۶) حق قیمومیت را روس‌ها حتی تا سال‌های پس از انقلاب مشروطه نیز برای خود قائل بودند. در این زمان، انگلیسی‌ها - چنانکه اشاره شد - با احساس خطر از توسعه نفوذ روس‌ها در ایران و عثمانی، مصلحت و منفعت خود را در آن دیدند که سیاست بی‌اعتنایی را کنار گذاشته و به ویژه پس از مرگ عباس میرزا به بهانه تضمین استقلال و تمامیت ارضی ایران با روس‌ها همراهی کنند تا جلو نفوذ روسیه را بگیرند و با نفوذ در ساختار سیاسی ایران از روسیه عقب نمانند. بنابراین، هر دو دولت در تخت‌یابی محمد شاه موثر عمل کردند. موضوعی که از دید کنت دوسرسی سفیر فرانسه در ایران پنهان نماند و او نیز بر نقش غیرقابل انکار روس و انگلیس در تخت‌یابی محمد شاه تأکید کرد. (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۸۷-۱۸۶) حمایت انگلیسی‌ها چنان بود که محمد شاه را واداشت تا پس از استقرار بر تخت سلطنت در نامه‌ای به پالمرستون، مراتب

قدرشناسی خود را نسبت به خدمات مالی و نظامی کمبل و افسران انگلیسی به ویژه

هنری لینزی اعلام دارد. (مطهری، [بی‌تا]: ۱۷۵-۱۷۴)

اما این پایان ماجرا نبود؛ آنها محمد میرزا را به سلطنت رساندند و چنانکه معمول سیاست‌های حسابگرانه‌شان بود با دوراندیشی، گزینه‌های جانشین و فشار را نیز در نظر گرفتند. حمایت از مدعیان و شاهزادگان فراری چون ظل‌السلطان و فرزندان حسینعلی میرزا - رضاقلی میرزا، نجفقلی میرزا و تیمور میرزا - که پس از شکست پدرشان از ایران فرار کردند، در همین راستا صورت گرفت که اگر محمد شاه در ازای خدمت انگلیسی‌ها توقعات‌شان را برآورده نکرد، از آنها استفاده نمایند. روس‌ها در حمایت از برخی شاهزادگان مخالف و فراری چون ظل‌السلطان و علی قلی میرزا و امام وردی میرزا با تضمین عدم بروز اعمال خلاف از سوی آنها خواستار تأمین مالی و جانی این افراد شدند و موافقت محمد شاه در برقراری مواجب برای آنها را اخذ کردند. (قاضی‌ها، ۱۳۸۰: ۱۷۴-۱۷۲)

حتی سیمونیچ وزیر مختار روس در نامه‌ای به وزیر خارجه ایران از رفتاری که با ابراهیم میرزا برادر دو شاهزاده فراری - علی قلی و امام وردی میرزا - در تهران شده بود، انتقاد کرد و خواستار تأمین رفاه و آسودگی او گردید. (قاضی‌ها، همان: ۱۷۰-۱۷۱) انگلیسی‌ها نیز این شاهزادگان فراری را حمایت کردند. به نوشته دنیس رایت این افراد ممکن بود روزی متحدان مفیدی برای انگلستان شوند و یا اگر روزی محمدشاه انتظارات آنها را برآورده نکرد، در مورد آنها برای فشار به دولت ایران حساب باز کنند. (رایت، ۱۳۶۴: ۱۷۹-۱۷۱)

انگلیسی‌ها پس از سلطنت‌یابی محمدشاه درصدد افزایش نقش سیاسی خود در ایران بر آمدند. در واقع آنان سیاست بی‌اعتنایی را نه تنها واگذاشتند که با مشاهده افزایش نفوذ روسیه در منطقه و انعقاد عهد نامه ادرنه روسیه با دولت عثمانی در ژانویه ۱۸۳۴م. درصدد جبران کوتاهی‌ها که منافع آنها را اکنون به خطر انداخته بود بر آمدند.

افزون بر این، وزارت امور خارجه انگلیس در راستای سیاست جدید خود درصدد افزایش سطح روابط با ایران بر آمد و باری دیگر اداره امور نمایندگی در ایران را که از مدت‌ها قبل در چارچوب سیاست بی‌اعتنایی به کمیته سری کمپانی هند شرقی واگذار کرده بود، در اختیار گرفت. از دیدگاه پالمستون طراح سیاست جدید انگلیس، اهمیت استقلال ایران دیگر فقط به خاطر هند نبود. زیرا او معتقد بود هدف روس‌ها خزیدن به سوی دریای سیاه و خزر و سرانجام تصرف ایران و عثمانی است. (میرزا صالح، ۱۳۶۵: ۶۴-۶۳) براساس این دیدگاه، اکنون مسئله انگلیس دیگر حفظ هند نبود و مقابله با نفوذ روسیه در مناطق دیگر نیز جزو اصول سیاست خارجی انگلیس در آمده بود. در این زمینه، علاوه بر آنکه دیگر نباید حضور انگلیس در مناطقی مانند ایران و عثمانی کمرنگ می‌گردید که کارگزاران سیاست جدید انگلیس باید با نزدیک شدن به ایرانی‌ها، مانع افتادن آنها به دامان روسیه می‌شدند.

نتیجه

مسئله ولیعهدی و جانشینی در صدر قاجار با تأثیرپذیری از شرایط داخلی و مناسبات حاکم بر سیاست‌های جهانی، زمینه دخالت خارجی را فراهم آورد. به عبارت دیگر اختلافات داخلی در ساختار سیاسی و ترجیح منافع شخصی و گروهی بر منافع ملی - که اساساً در حکومت‌های سنتی مبتنی بر خاستگاه ایلی وجه غالب به شمار می‌آید - و فقدان قانون روشن و ثابت، ناتوانی سیاسی، ضعف نظامی دولت قاجار و رقابت‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌های قدرتمند در متن مناسبات جهانی در نیمه اول قرن نوزدهم زمینه‌های دخالت خارجی در مهم‌ترین رکن ساختار سیاسی ایران را پدید آورد. روسیه در عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای حق نظارت، دخالت و قیمومیت در

جانشینی شاه قاجار را به دست آورد. از سوی دیگر دولت انگلیس با توجه به منافع و مصالح خود و سیاست‌های بین‌المللی، در صدر قاجار درباره ایران سیاست‌های متفاوتی را در پیش گرفت. این دولت تا ۱۲۳۰ ق. / ۱۸۱۵ م. با در نظر داشتن منافع خود در هند و خطر ناپلئون و روسیه، سیاست فعالی را در ایران دنبال می‌کرد. اما با از بین رفتن تهدید ناپلئون و تغییر در مناسبات حاکم بر سیاست جهانی و دوستی روسیه و انگلیس، آنها سیاست بی‌اعتنایی و رها کردن ایران را مدنظر قرار دادند و سطح روابط خود با ایران را به گونه‌ای تحقیرآمیز کاهش دادند. همین رویکرد، راه را برای توسعه نفوذ روسیه در ایران بیش از پیش فراهم ساخت. در پی گسترش روزافزون نفوذ روس‌ها در ایران و عثمانی، برخی کارگزاران سیاسی انگلیس با دریافت‌ها و تحلیل‌های خود از اوضاع و برنامه‌های روس‌ها در گزارش‌های خود به وزارت امور خارجه انگلیس و کمیته سری هند که در این دوره وظیفه اداره امور ایران را برعهده داشت با اشاره به خطر توسعه نفوذ روسیه و تهدید منافع انگلستان، لزوم تغییر و باز نگری در سیاست جاری دولت متبوع خود را یادآور شدند. در پی این گزارش‌ها و تحلیل‌ها و تصدی وزارت امور خارجه انگلیس توسط پالمستون به تدریج سیاست بی‌اعتنایی به سیاست ایفای نقش فعال در امور ایران سوق داده شد. به ویژه با مرگ عباس میرزا که با وجود رابطه با روس‌ها، گرایش‌های ضد روسی داشت، خطر نفوذ روسیه در ایران و در نهایت تهدید تمامیت ارضی ایران که تهدید هند را نیز در پی داشت، انگلیسی‌ها را به دخالت در ایران در مقابله با طرح‌های روسیه و البته نفوذ در ساختار سیاسی ایران وادار کرد. بر همین اساس، آنها در جهت منافع خود، لزوم تأمین استقلال و تضمین تمامیت ارضی و سیاسی ایران و جلوگیری از جنگ داخلی ناشی از اختلاف بر سر جانشینی فتحعلی شاه که تهدیدی برای منافع انگلیس تلقی می‌شد را مطرح ساختند و برای عملی شدن آن با

روس‌ها به توافق رسیدند. با مرگ فتحعلی شاه، روس و انگلیس براساس توافق‌ها و مذاکرات صورت گرفته، با کمک مالی - نظامی و سرکوب مخالفان و مدعیان سلطنت نقش موثری در رساندن محمد میرزا به پادشاهی ایفاء نمودند. اما حقیقت آن است که طرفداری و حمایت انگلیسی‌ها از استقلال و تمامیت ارضی و آرامش داخلی ایران و توافق با روس‌ها در این زمینه بهانه‌ای بود که هر دو طرف می‌خواستند با توسل به آن دست طرف مقابل را در نفوذ و تعرض به ایران ببندند تا خود سهمی از نفوذ در ساختار دولت قاجار داشته باشند. فرجام سخن آنکه، شرایط داخلی و رقابت‌های سیاسی حاکم بر مناسبات بین‌المللی، زمینه دخالت موثر خارجی در یک امر داخلی مهم را پدید آورد و به گفته یکی از کارگزاران سیاسی انگلیس: فعالیت‌های دیپلماتیک مانند بازی شطرنج از سوی سیمونیچ روسی از یک سو و کمبل و مک نیل انگلیسی از سوی دیگر سرنوشت ولیعهدی و سرانجام سلطنت ایران را در این برهه رقم زد. فعالیتی که با وجود ممانعت از بحران شدید و غلطیدن ایران در جنگ داخلی درازمدت با آینده و نتایجی نامعلوم، به حیثیت و شخصیت مستقل سیاسی حکومت قاجارها خدشه‌ای سخت وارد ساخت.

منابع و مأخذ

- آوری، پیتز، گاوین همبلی و دیگران (۱۳۸۷)، تاریخ ایران در دوره افشار، زند و قاجار، از مجموعه تاریخ کمبریج، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
- اتحادیه، منصوره (۲۵۳۵)، گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران، تهران: آگاه.
- اتکین، موریل (۱۳۸۲)، روابط ایران و روس (۱۸۲۸-۱۷۸۰)، ترجمه: محسن خادم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- اعضادالسلطنه، علی قلی میرزا (۱۳۷۰)، اکسیرالتواریخ، به اهتمام: جمشید کیانفر، تهران: ویسمن.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۷)، صدر التواریخ، به کوشش: محمد مشیری، تهران: روزبهان.
- _____ (۱۳۶۷)، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.
- اوزلی، سرگور، گزارش مورخ ۱۵ مارس ۱۸۱۲ سرگور اوزلی به وزیر امور خارجه انگلیس در: سرجان کمبل، دو سال آخر یادداشت‌های روزانه سرجان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران ۱۸۲۳-۲۴، تحقیق و تعلیقات و توضیحات: دکتر ابراهیم تیموری، تهران: دانشگاه تهران.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۲)، شرح حال رجال ایران، ج ۱ و ۴، تهران: زوار.
- بینا، علی اکبر (۱۳۸۳)، تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- تانکوانی، ژی. ام (۱۳۸۳)، نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: چشمه.
- ترنزیو، پیوکارلو (۱۳۶۳)، رقابت‌های روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه: عباس آذرین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جهانگیر میرزا (۱۳۲۷)، تاریخ نو، به سعی و اهتمام: عباس اقبال، تهران: کتابخانه علی اکبر علمی و شرکاء.
- حسام معزی، نجفقلی (۱۳۶۴)، تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا، به کوشش: همایون شهیدی، تهران: نشر علم.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰)، تاریخ ذوالقرنین، به تصحیح: ناصر افشارفر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خورموجی، محمد جعفر (۱۳۶۳)، حقایق الاخبار ناصری، به کوشش: حسین خدیوچم، تهران: نشر نی.
- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، مآثر سلطانیه، به تصحیح: غلامحسین زرگری نژاد، تهران: موسسه انتشارات روزنامه ایران.

روسیه و انگلیس و مسئله جانشینی شاه در ایران صدر قاجار ۱۴۹

دو سرسی، کنت (۱۳۶۲)، ایران در ۱۸۴۰ - ۱۸۳۹ م.، ترجمه: احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

رایت، دنیس (۱۳۶۴)، ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، ترجمه: کریم امامی، تهران: نشر نو.
رضا قلی میرزا (۱۳۴۶)، سفرنامه، به کوشش: اصغر فرمانفرمایی قاجار، تهران: دانشگاه تهران.
ژوبر، پیرآمده (۱۳۴۷)، مسافرت در ارمنستان و ایران، ترجمه: علی قلی اعتماد مقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

سپهر، محمدتقی خان لسان‌الملک (۱۳۷۷)، ناسخ‌التواریخ، تاریخ قاجاریه، به تصحیح: جمشید کیانفر، ج ۱، تهران: اساطیر.

سیمونیچ، ای. او. (۱۳۵۳)، خاطرات وزیر مختار از عهدنامه ترکمن‌چای تا جنگ هرات، ترجمه: یحیی آرین‌پور، تهران: پیام.

طاهری، ابوالقاسم [بی‌تا]، تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس، ج ۲، تهران: انجمن آثار ملی.

عضدالدوله، سلطان احمد میرزا (۱۳۷۶)، تاریخ عضدی، توضیحات و اضافات از عبدالحسین نوایی، تهران: نشر علم.

فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، سفرنامه، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: توس.
فورد جونز، سرهار (۱۳۸۶)، روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران، ترجمه: مانی صالحی علامه، تهران: نشر ثالث.

قاضی‌ها، فاطمه (۱۳۸۰)، اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

قدیمی قیداری، عباس، «بحران جانشینی در دولت قاجار، از تاسیس تا جلوس محمدشاه»، مجله پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، سال ۴۶، دوره جدید، بهار ۱۳۸۹، شماره ۱.

کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۸۷)، تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار، از مجموعه تاریخ ایران کمبریج، به سرپرستی: پیتر آوری، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.

کمیل، سرجان، دو سال آخر یادداشت‌های روزانه سرجان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران ۱۸۳۳-۳۴، تحقیق و تعلیقات و توضیحات: دکتر ابراهیم تیموری، تهران: دانشگاه تهران.

گریوز، رز (۱۳۸۷)، تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار، از مجموعه تاریخ ایران کمبریج، به سرپرستی: پیتر آوری، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.

لمبتون، آن.ک.س (۱۳۶۳)، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.

۱۵۰ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

مالکوم، سرجان (۱۳۸۰)، *تاریخ ایران*، ترجمه: میرزا اسماعیل حیرت، به کوشش: علی اصغر عبداللهی، تهران: افسون.

محمود، محمود (۱۳۴۴)، *تاریخ روابط ایران و انگلیس*، ج ۱، تهران: اقبال.
میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۶۵)، *اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس و روس و عثمانی*، ج اول، تهران: نشر تاریخ ایران.

نادر میرزا (۱۳۷۳)، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، به تصحیح: غلامرضا طباطبائی مجد، تبریز، ستوده.

نفیسی، سعید (۱۳۷۶)، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*، تهران: بنیاد.
واتسون، رابرت گرت (۱۳۵۴)، *تاریخ ایران در دوره قاجاریه*، ترجمه: وحید مازندرانی، تهران: کتاب‌های سیمرغ.

ویلوک، هنری (۱۳۸۸)، «گزارش هنری ویلوک ۱۹ دسامبر ۱۸۲۵»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، خرداد، ۱۳۸۸، ش ۱۳۳.

_____ (۱۳۸۴)، گزارش مورخ ۱۳ فوریه ۱۸۲۵ ویلوک به وزارت امور خارجه انگلیس، در: سرجان کمبل، دو سال آخر یادداشت‌های روزانه سرجان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران ۱۸۳۳-۳۴، تحقیق و تعلیقات و توضیحات از دکتر ابراهیم تیموری، ۲ جلد، تهران: دانشگاه تهران.

_____ (۱۳۸۴)، گزارش مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۸۲۵ ویلوک به وزارت امور خارجه انگلیس، در: سرجان کمبل، دو سال آخر یادداشت‌های روزانه سرجان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران ۱۸۳۳-۳۴، تحقیق و تعلیقات و توضیحات از دکتر ابراهیم تیموری، ۲ جلد، تهران: دانشگاه تهران.

هدایت، رضا قلی میرزا (۱۳۸۰)، *تاریخ روضة الصفاى ناصری*، به تصحیح: جمشید کیانفر، ج ۱۵، تهران: اساطیر.